



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۲۸

نویسنده: بهادرا کومار

منبع: اندین پنچ لاین ۲۷ دسمبر ۲۰۱۸

مترجم: رسول رحیم

جست و خیز های دیپلماتیک پاکستان در مورد افغانستان دولتهای منطقه را رنجه می کند

ما هرگز نمی دانیم که شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان، روز چهارشنبه سفر سه روزه عاجلش را به کابل، تهران، بیجنگ و مسکو با چه احساس مختلطی پایان داد. آنچه از این سفر بر می آید آنست که نقش نوینبید اسلام آباد به مثابه «تسهیل کننده» گفت وگوهای آشتی با طالبان که اخیراً در ابوظبی یعنی در یک فارمت بیرون منطوقی صورت گرفته است، در پایتختهای کشورهای منطقه به خوبی استقبال نشده است.

اسلام آباد با احیای مجدد فارمت "دسته چهارگانه" که عبارت از ایالات متحد امریکا، عربستان سعودی، امارات متحد عربی و پاکستان می باشد، دچار یک محاسبه غلط شده است. زیرا همینها بودند که در اوایل سالهای ۱۹۹۰ به طالبان بال و پر دادند و آنها را با یک دستورالعمل جیوپولیتیکی در صحنه سیاسی افغانستان به میان آوردند. شاید رهبری اسلام آباد در بدل اجابت تقاضای این شیخ ها که البته خدمتگار منافع امریکا اند، برای تقویت بودجه اقتصادی شان میلیارد ها دالر از عربستان سعودی خواسته و به دست آورده باشند.

به هرصورت اسلام کوشید تا علیه جریان سیاست منطوقی و بین المللی شنا کند و این امر تنها به انزوای پاکستان می انجامد. اظهارات روز چهارشنبه سرگنی لاوروف وزیر خارجه روسیه به هنگام پذیرفتن قریشی و هیئت همراهش در مسکو بر چنین کوتاهی ای از جانب پاکستان گواهی می دهد. لاوروف به صراحت به قریشی گفت: «برخی فارمتها بسیار تنگ اند و نمی توانند نمایندگی از منافع همه کشور ها و جناحهای افغان نمایند که در این مرحله باید در نظر گرفته شوند.» نباید تعجب انگیز باشد هرگاه روسها از این بابت احساس رنجش نمایند که اسلام آباد تا همین اواخر با اظهار دلگرمی زیاد شان به باصطلاح فارمت مسکو در مورد افغانستان، آنها را به بیراهه می برده است و صرف اخیراً در آغاز نشستهای واشنگتن با شیخ های عرب به آنها فرصت کوتاهی برای اندیشیدن داده است.

می بایست برای قریشی بسیار تخریش کننده بوده باشد هنگامی که لاوروف به طور خاص به منافع مشروع و نقش هند در هرگونه پروسه صلح افغانستان اشارت نمود. لاوروف گفت که هر پروسه صلح افغانستان باید «منافع همه کشورهای همسایه را در نظر گیرد.» او با تاکید به قریشی خاطر نشان نمود که عضویت هند و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای می بایست «نفس تازه ای به گروه تماس افغانستان سازمان همکاری شانگهای بدهد.» لاوروف تاکید نمود «این (گروه تماس شانگهای) یک فارمت بسیار مطلوب» است.

حقا که این معلق زدن پاکستان غیر قابل درک است، زیرا با برهم خوردن شدید مناسبات میان ایالات متحد امریکا، روسیه، چین و ایران در این اواخر مصادف است. به عبارت ساده، پاکستان این کشورهای مهم منطقه را دور زده است که نه تنها در هر گونه راه حل افغانستان ذی نفع اند، بلکه در عین زمان به نیات امریکا در این منطقه با شک و تردید زیاد می نگرند.

تهران به طور خاص با نگرانی نظاره می کند که ایالات متحد امریکا به طور درخشانی موفق گردیده است تا عربستان سعودی و امارات را نخست چتر حمایت اقتصادی پاکستان گرداند و بعداً از این امر استفاده نموده و اسلام آباد را وادارد که طالبان را مجبور سازد تا از دوحه به ابوظبی برای ملاقات با زلمی خلیل زاد نماینده خاص ایالات متحد امریکا بیایند. در نتیجه پاکستان همدست با دو دشمن اساسی ایران در منطقه شده است که با افغانستان کدام سرحدی مشترکی ندارند. این در حالیست که ایران هم سرحد با افغانستان است. روز چهارشنبه، بلافاصله پس از مشورتهای قریشی در تهران، علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به کابل سفر نمود. او دیدگاه های شدیداً انتقادی در ارتباط با دستورالعمل پنهانی ایالات متحد امریکا در افغانستان ابراز داشت. او مدعی شد که ایالات متحد امریکا و «کشورهای ارتجاعی منطقه» (منظور عربستان سعودی و امارات متحد عربی است) به طور

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

پنهانی جنگجویان شکست خورده داعش در سوریه و عراق را به افغانستان انتقال می دهند تا « تروریسم تکفیری را در این کشور به منظور افروختن شعله های جنگ، خونریزی و نا امنی در منطقه اشاعه دهند.»
شمخانی به شدت از حضور ایالات متحد آمریکا در افغانستان انتقاد می کرد. او خواهان «اقدامات عملی برای مقابله با این توطئه شیطانی» شد. شمخانی که شخص قدرتمندی در رهبری ایران است، به طور ضمنی مخالفت شدیدش را در برابر این "دسته چهارگانه" ابراز داشت.

قابل تامل است که حتی ارزیابی چین از ملاقات روز سه شنبه قریشی با وانگ یی عضو شورای دولتی و وزیر خارجه چین، اکیداً خود را محدود به آن «وفاق گسترده» می نماید که معضل افغانستان تنها از طریق وسائل صلح آمیز حل شده می تواند. وزیر خارجه چین از بیان حمایتش برای پروسه ای خودداری نمود که در ابوظبی به راه افتاده است. سخنگوی وزارت خارجه چین روز سه شنبه به رسانه ها گفت:

«امروز صبح وانگ یی عضو شورای دولتی و وزیر خارجه با شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان ملاقات نمود که سفر ویژه ای به اینجا داشت. هردو جانب مذاکرات عمیقی پیرامون آخرین انکشافات اوضاع در افغانستان داشتند و به وفاق گسترده ای دست یافتند. هردو جانب موافقت نمودند که اقدامات نظامی کمکی به حل مساله افغانستان نمی کنند و آشتی سیاسی یگانه راه حل عملی و قابل اعتماد برای بیرون رفت از آن می باشد. هردو جانب از تلاشهای مختلفی که توسط همه جناحها صورت گرفته اند استقبال نموده و تعهدشان را برای حفظ ارتباط و هم آهنگی استراتژیک ابراز داشتند. دو جانب همچنان توافق نمودند که مشارکت برای همکاریهای استراتژیک برای همه فصول، بین چین و پاکستان را تعمیق بخشیده و به طور پیوسته ای همکاری همه جانبه را ارتقا بخشند.»
بیجنگ باید آگاه باشد که ایالات متحد آمریکا به طور خاص هرگونه نقشی را برای چین در گفت و گوهای صلح ابوظبی رد کرده است. سوال بزرگ در آنست که چرا پاکستان این داری استراتژیک اش (طالبان) را چنین آسان در ابوظبی به رهن گذاشته است. به گمان غالب عربستان سعودی و امارات متحد عربی بر پاکستان فشار وارد نموده اند تا طالبان را ملتزم به آتش بس سه ماهه و آغاز گفت و گو با حکومت افغانستان گرداند. بنا به اظهار خلیل زاد پاکستان حمایتش را از تقاضای عربستان سعودی و امارات متحد عربی در این زمینه ابراز داشته است (این در حقیقت برنامه بازی ایالات متحد آمریکا نیز بوده است).

جالب آنست که طالبان تا هنوز در مورد نتایج گفت و گوهای ابوظبی اعلامیه رسمی ای بیرون نداده است. با توجه به این پسمنظر پیچیده، مسکو، بیجنگ و تهران در مورد آن گفته ای عمیقاً دچار شک و تردید می باشند که از طریق رسانه ها درز نموده و طبق آن رئیس جمهور ترامپ بیرون کشیدن سریع ۷۰۰۰ تن از نیروهای نظامی امریکائی از افغانستان را دستور داده است. (ترامپ و طالبان به طور غیر معمولی در این مورد ساکت می باشند.)
به هر صورت این اظهارت شمخانی به هنگام صحبتهایش در کابل به روز چهارشنبه در کابل حایز اهمیت زیادی می باشد که « مذاکرات جاری بین ایران و طالبان که تهران مصمم به ادامه آنست، به منظور حل مسائل امنیتی موجود در افغانستان بوده و به حکومت افغانستان از این پروسه اطلاع داده شده است.» به گمان اغلب این اشارتی بوده است که هرگاه فشار بر ایران افزایش یابد، تهران برای استفاده از طالبان به مثابه یک اهرم نفوذ خودداری نخواهد کرد.

این سفر منطقی باید به قریشی مواد زیادی برای اندیشیدن داده باشد. پاکستان در این منطقه زندگی می کند و باید تصمیم بگیرد که یا با ایالات متحد آمریکا و شیخهای عرب مجالست می کند که باری به طالبان به مثابه ابزار جیوپولتیکی امکانات نشو و نما و رهنمائی می دهند و یا اینکه با کشورهای منطقی همجوار افغانستان با استفاده از فارمت مسکو در همسوئی با گروه تماس افغانستان سازمان همکاری شانگهای بنشیند.
امکانات اینکه دولتهای منطقی یک راه حل تحمیلی برای افغانستان را قبول کنند که بین ایالات متحد آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحد عربی و پاکستان تدوین شده است و تداوم حضور نظامی ایالات متحد آمریکا را به نحوی در منطقه تامین نماید، تقریباً صفر است. به خصوص روسیه و ایران همکاریهای شان را در قسمت جنگ علیه تروریسم تعمیق می بخشند.

پای